معاون اشتغال و کارآفرینی بهزیستی:

۵۵۷ مددجوی بهزیستی مشغول به کار شدند

رضاپور- زمینه اشتغال ۵۵۷ نفر از مددجویان زیر پوشش بهزیستی سال گذشته فراهم شد.

معاون اشتغال و کارآفرینی سازمان بهزیستی استان گفت: این افراد از طریق معرفی به کارفرما (بدون تسهیلات) یا از طریق دریافت وام به مبلغ ۴ هزار و ۳۶۵ میلیون ریال مشغول به کار شده اند. به گزارش روابط عمومی این سازمان، «محمد علی شاهی» افزود: سال ۸۶ زمینه اشتغال ۴۶۹ نفر با مبلغ ۲ هزار و ۲۰۸ میلیون ریال فراهم شده که در مقایسه با سال ۸۷ قبل از آن، ۲۳ درصد رشد داشته است.

وی ادامه داد: این میزان اشتغال فراهم شده از محل اعتبارات بیمه سهم کارفرما ۱۹۸ نفر، بیمه خویش فرما ۲۰ نفر، جبران کارایی معلولان ۵۳ نفر، بنگاه های اقتصادی زودبازده ۱۲ نفر، سرمایه کار بلاعوض ۷۲ نفر، اشتغال بدون تسهیلات کارفرمایی ۶۱ نفر، آموزش فنی و حرفه ای ۱۰۵ نفر، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار ۴۶ نفر، باقیمانده وجوه اداره شده سال ۸۵، ۹ نفر و تسهیلات صندوق مهر امام رضا (ع) یك نفر در سال گذشته فراهم شده است. وی ادامه داد: پی گیری های لازم برای پرداخت یارانه بنگاه های زودبازده اقتصادی از طریق سازمان کار و امور اجتماعی به ۱۸ نفر از مددجویان به مبلغ ۱۰۳ میلیون ریال که در سنوات قبل از محل اعتبارات بنگاه های زودبازده وام دریافت کرده بود از دیگر اقدامات این معاونت بوده است. وی تصریح کرد: پی گیری پرداخت تسهیلات به ۵ مرکز غیر دولتی زیر نظر این سازمان به مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال از دیگر امور انجام شده در سال گذشته می باشد.

نکته

کودکان دیروز، کودکان امروز

گروه جامعه- در گذشته تفریح، بازی و سرگرمی های کودکان با امروز تفاوت زیادی داشت. یادم می آید زمان کودکی، بیشتر وقت خود را با بازی های کودکانه مثل لی لی، گرگم به هوا، قایم باشك، مطالعه کتاب های داستان، دوچرخه سواری، هفت سنگ، توپ در دایره، اسم و فامیل و بازی هایی از این قبیل می گذراندیم. این بازی ها در واقع یك نوع ورزش برای ما بود و از قدرت تفکر و خلاقیت خود نیز استفاده می کردیم، این بازی ها چون به صورت گروهی انجام می شد در نتیجه دوستان زیادی پیدا می کردیم و چه بسا این دوستی ها به روابط چندین و چند ساله می انجامید. ولی کودکان امروز، بیشتر اوقات خود را پای رایانه و تلویزیون می گذرانند به همین دلیل چون تحرکی ندارند، چاق می شوند و این معظل بزرگی برای آینده آن ها خواهد بود، خیلی از کودکان امروز را می بینیم که عینکی هستند. یکی از علت ها این است که بیشتر وقت خود را پای رایانه می گذرانند. کودکان امروز، زیاد معاشرتی نیستند و بازی با رایانه را بر بازی با دوستان خود ترجیح می دهند، حتی زمانی که به مدرسه می روند به درس و مشق خودکمتر می رسند و ترجیح می دهند بیشتر وقت خود را با رایانه سرگرم باشند. این یك مشکل بزرگ برای کودکان امروز است، به نظر من پدرها و مادرها نقش مهمی در این مسئله دارند، نباید به کودکان اجازه داد که بیشتر وقت خود را پای رایانه بگذرانند باید در این زمینه فرهنگ سازی شود. به امید این که در آینده این کودکان به جوانانی خوب و با مسئولیت تبدیل شوند و برای جامعه مفید باشند.

گفت و گو با کارآفرین نمونه ملی:

ایده ها را به خلاقیت و خلاقیت ها را به کارآفرینی تبدیل کنیم

■ مسعودی نسب

باخبر شدیم بانوی کارآفرین نمونه شهر مود بار دیگر در چهارمین جشنواره کارآفرینان برتر کشور اول شد. برآن شدیم تا با این بانوی نمونه کارآفرین موفق گفت و گویی داشته باشیم.

***خودتان را بیشتر برای ما معرفی کنید؟**

مریم همت پور، متولد ۱۳۴۴ هستم و ۵ فرزند دارم.

***کمی در مورد چهارمین جشنواره کارآفرینان برتر بگویید؟**

این جشنواره در تهران برگزار شد و من در بخش کارآفرین در بحث های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اشتغال زایی کارآفرین ملی شدم.

***عامل موفقیت شما در این زمینه چه بوده است؟**

ایمان قوی، پشتکار و همت، از خود گذشتگی و عشق به کار و خدمت به زن روستایی از عوامل موفقیتم هستند. وقتی فردی خود را باور داشته باشد اعتماد به نفس بالایی پیدا می کند و می تواند با دور اندیشی و بهره گیری از نکات آموزشی کارشناسان به هدفش برسد.

***در راه موفق شدن مشکلات زیادی وجود دارد، مشکلات شما در این راه چه بود و چگونه آن ها را از سر راه برداشتید؟**

به نظر من یك کارآفرین موفق کارآفرینی است که اگر مشکلی برایش پیش آمد به دنبال راه حل آن باشد و باید یاس و نا امیدی را از خود دور کند.

من نیز در ابتدای راه با مشکلاتی از جمله کمبود سرمایه مواجه بودم، همچنین مشکل بزرگی که در جامعه شهری کوچك وجود دارد این است که اگر کسی به موفقیت بیشتر برسد دیگران برای او مشکلاتی را به وجود می آورند تا روحیه اش ضعیف شود و از کار کنار بکشد، این باید نهادینه شود که کارآفرین از فرصت هایش به نحو شایسته استفاده می کند و فرصت طلب نیست و برای خدمت به مردم فعالیت می کند. خیلی ها کارآفرین را با سرمایه دار اشتباه می گیرند در صورتی که سرمایه دار یك سرمایه بزرگ دارد که به دنبال مکانی برای به دست آوردن سود بیشتر است ولی کارآفرین وقتی در مسیر کارآفرینی قرار می گیرد یك نیروی مضاعف به نام عشق خدمت به مردم در او به وجود می آید و به دنبال بها دادن به مردم به خصوص قشر جوان است تا خود را اثبات کند.

***اولین نه که تبدیل به بله کردید چه بود؟**

وقتی می خواستیم تعاونی روستای زنان الزهرای مود را راه اندازی کنیم بیشتر مردم می گفتند این کار نشدنی است، زنان استقبال نخواهند کرد یا همسرانشان مانع آمدنشان به اجتماع خواهند شد، ولی من و دیگر خواهران عضو تعاونی با عمل خودمان با صبوری و بردباری به مرور زمان این را ثابت و نه آنان را به بله تبدیل کردیم و به آن ها فهماندیم هیچ کاری نشدنی نیست.

***آن لحظه ای که اسم شما به عنوان کارآفرین برتر ملی خوانده شد اولین جمله ای را که در ذهن شما نقش بست چه بود؟**

خداوند بزرگ را سپاس گفتم و احساس کردم اگر او نبود هیچ وقت موفق نمی شدم، این ها همه خواست اوست.

یادمه یه معلمی داشتم که توی دفترچه خاطراتم نوشت «باخدا باش پادشاهی کن، بی خدا باش هر چه خواهی کن» از خدا خواستم جلوی او هم برتر باشم چون برتری در دنیا لحظه ای و گذراست، اصل این است که جلوی خدای بزرگ برتر باشی، احساس کردم این موفقیت حاصل نان حلال و شیر پاکی است که پدر و مادرم به من دادند، یك پدر و مادر کشاورز.

***چه افرادی در موفقیت شما سهیم هستند؟**

فکر کنم خیلی ها باشند، ولی نقش اصلی را همسر فداکارم داشت. من علاوه بر این که یك کارآفرینم، یك همسر و یك مادرم و باید در همه جا نقشم را به خوبی ایفا کنم تا زندگی خوبی داشته باشم و دعای خیر پدر و مادرم و این جمله معروف آن ها که می گفتند الهی همیشه خیر ببینی. هر وقت موفق می شوم سر مزار مادرم می روم (اشك در چشمانش جمع می شود) و می گویم این ها از دعای خیر شما بود کاش زنده بودی، کاش زنده بودی، (و اشك از گونه هایش جاری می شود) همچنین همه همکارانم و مسئولان در سازمان کار و امور اجتماعی، سازمان تعاونی روستایی، جهاد کشاورزی، امور بانوان استانداری و دیگر مسئولان به خصوص سازمان کار و امور اجتماعی که با برگزاری این جشنواره ها و معرفی کارآفرینان برتر را به ادامه راه دلگرم می کنند و جوان های خلاق را تشویق می کنند که وارد عرصه کارآفرینی شوند.

***هر شخصی در زندگی خود یك الگو برای کارهای خود دارد، الگوی شما در زندگی چه کسی بوده است؟**

الگوی من در زندگی مادر زحمتکش ام بود. او هم مادر بود و هم توی مزرعه پا به پای پدرم کار می کرد، پارچه های سنتی می بافت، مامای روستا بود، اوقات بیکاری خود را به کوه می رفت و به تنهایی گیاهان دارویی جمع آوری می کرد و عرق آن ها را می گرفت و رایگان به مردم روستا می داد.

او به «خاله لیلا» مشهور بود. من به جرات می توانم بگویم به توانمندی مادرم نرسیده ام و شاید یك ذره از آن را به ارث برده ام، همیشه مادرم وقتی مرا نصیحت می کرد، می گفت: هر کاری که از دستت برمی آید برای مردم انجام بده.

***شما به عنوان یك کارآفرین نمونه چه قدر سعی کردید این روحیه را به فرزندانتان نیز منتقل کنید، و چگونه دوری از فرزندانتان را برای آن ها توجیح کردید؟**

تا جایی که توانستم سعی کردم بین کار بیرون و منزل تداخلی ایجاد نشود، ولی خواه ناخواه مشغله های زیاد شاید رخنه هایی ایجاد کرده که احساس می کنم با صحبت کردن با بچه هایم از دلشان درآوردم و قانع شان کردم. وقتی آن ها نتیجه کار و ثواب آن را می بینند. نه تنها از من دور نمی شوند بلکه در کنار من هستند. همیشه به دخترم می گویم ان شاء ا. . . کارآفرین آینده تو باشی و نذاری پرچم من روی زمین بماند، منظورم این نیست که کاری را که من شروع کردم را ادامه بدهد بلکه کاری را با عشق و شور و خودش شروع کند و این را علاوه بر بچه های خودم به دیگران نیز گفتم که می خواهم خودتان باشید یك کارآفرین.

چون من به نوعی کارآفرینی را مثل جهاد در راه خدا می دانم همان طور که یك رزمنده در جبهه علیه دشمن می جنگد کارآفرین علیه بیکاری می جنگد و همه را تشویق می کنم که یك رزمنده باشند.

***برای چه همه نمی توانند کارآفرین باشند؟**

چون خودشان را باور ندارند و اعتماد به نفس ضعیف و قدرت ریسك پذیری کمی دارند و احساس می کنند که نمی توانند در صورتی که خداوند به همه انسان ها یکسان استعداد داده است. اگر بخواهیم می توانیم شکوفایش کنیم، چون خواستن توانستن است.

■ کارآفرین وقتی در مسیر کارآفرینی قرار می گیرد یك نیروی مضاعف به نام عشق خدمت به مردم در او به وجود می آید و به دنبال بها دادن به مردم به خصوص قشر جوان است تا خود را اثبات کند

■ الگویم در زندگی، مادر زحمتکش ام بود او هم مادرم بود و هم در مزرعه پا به پای پدرم کار می کرد. مادرم همیشه وقتی مرا نصیحت می کرد می گفت: هر کاری که از دستت برمی آید برای مردم انجام بده

***توصیه شما به افرادی که تازه وارد وادی کارآفرینی می شوند چیست؟**

برای شروع هر کاری قبل از تصمیم گیری باید با افرادی که در همین زمینه تجربه دارند مشورت کنند و قبل از این که تصمیم خود را به مرحله عمل برسانند، خوب فکر کنند چون یك ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است. از ابتدای راه صداقت را پیشه خود کرده تا بتوانند اعتماد دیگران را به خود جلب و با علاقه حرکت کنند، با مشکلات سر راه دست و پنجه نرم کنند و با صبوری و بردباری آن ها را از جلویشان بردارند و نا امید نشوند چون مشکلات و سختی هاست که یك کارآفرین را توانمند تر می کند.

***یك جمله که بتواند قوانین کارآفرینی را تکمیل تر کند، چیست؟**

پله پله از نردبان ترقی صعود کنید و هر شکستی را پایان کار ندانید.

***آیا از ابتدا کار خود را با سرعت شروع کردید؟**

معتقد بودم که قدم های بزرگ را از ابتدا نباید برداشت، چون سریع خسته می شویم، من آهسته و پیوسته رفتم و سنگ ریزه های مسیرم را با آرامش کنار زدم، ناملایمات زیادی را پشت سر گذاشتم اما امروز که نتیجه آن ناملایمات را می بینم، خیلی خوشحالم.

***چگونه می توان به جوانان انگیزه کارآفرینی داد؟**

اعتقاد من براین است که با آموزش های درست، جوانان به ایده برتر دست می یابند و برای عملی ساختن ایده هایشان باید برای آن ها با روش های مختلف انگیزه ایجاد کرده و حمایتشان کنیم و در نهایت ناظر بر کارشان باشیم.

***برنامه های شما برای آینده چیست؟**

در حال راه اندازی یك کانون فرهنگی اجتماعی بانوان هستیم که اهداف این کانون آموزش کارآفرینی و اشتغال زایی بانوان است. که اگر خدا بخواهد در این بحث هم فعالیت خواهم کرد، مجری پروژه مرکز رشد و کارآفرینی زنان بخش کشاورزی خراسان جنوبی در سال ۸۸ هستم که اهداف آن آموزش مقدماتی کارآفرینان، مشاوره به افرادی که دوره های کارآفرینی را دیده اند و بازدید از طرح های موفق کارآفرینی، مجوز کارخانه عرقیات و گلاب را نیز دریافت کردم که اگر عمری باقی بود و خدا یاری ام کرد آن را در شهرك صنعتی مود راه اندازی می کنم، مجوز مهد کودك نیز دریافت کردم که برنامه های خوبی برای آن دارم و همچنین دوست دارم صنعت برك بافی و پارچه های سنتی که مادرم می بافت را احیا کنم

***از مسئولان چه درخواستی دارید؟**

از مسئولان می خواهم دورا دور ما را یاری کنند چون احساس می کنم اگر مستقیم حمایتمان کنند ما کارآفرینان متکی به آن ها می شویم، در صورتی که به عقیده من کارآفرین واقعی کسی است که باری از دوش دولت بردارد و به دولت کمك کند، در یك جمله حمایت و راهنمایی هایشان را می خواهیم و اگر کارآفرین شکست خورده ای می بینند کمکش کنند تا از زمین بلند شود، نه این که رهایش کنند.

حرف پایانی...

به تمام دانش آموختگان و افرادی که دارای ایده های نو هستند می گویم ایده هایشان را به خلاقیت و خلاقیت را به کارآفرینی تبدیل کنند.

با عشق جلو بروند نه با مدرك تحصیلی.

امیدوارم روزی برسد دیگر جوان بیکار در ایران عزیزمان نداشته باشیم، این تنها آرزوی من است.